

## یهود و قلب‌های سخت‌تر از سنگ

مصطفی بیگ محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

بی شک عمل هر انسانی با نیت او محاسبه می‌گردد و در صورت الهی بودن اعمال مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اهل کتاب با این توهم که در دل‌های ما خیر زیادی مانند؛ روزه، صدقه، مواسات با فقراء و غیره هست بر رسول خدا (ص) فخر می‌فروختند، حضرت در برابر این توهم مقصود از خیر را چیزی که برای رضای خدا داده شود و بر طبق اوامر خداوند انجام پذیرد دانستند. اما آنچه برای خودنمایی، تظاهر، تحریک علیه اسلام انجام گیرد و به دشمنی رسول خدا (ص) منجر گردد خیر نخواهد بود، بلکه شر خالص و وبال گردن صاحبانش است و او را به سخت‌ترین عذاب گرفتار می‌کنند. از یافته‌های پژوهشی این مقاله تطبیق و مصداق یابی قلب سخت در روایات، توهم زدایی از اعمال بدون غایات الهی می‌باشد. روش مقاله توصیفی و تحلیلی بوده.

**کلیدواژه:** یهود، قساوت، عناد، حق‌پذیری، پیامبر اکرم(ص).

---

۱. خارج فقه و اصول، سطح ۴ تاریخ و سیره، موسسه امام رضا(ع)

## مقدمه

یکی از تفاتهای اساسی انسانها با موجودات دیگر حق پذیری و حق جویی است. حق واژه‌ای مقدس است که در همه نحله‌های بشری مقدس و دارای ارزش والایی است. تاریخ بشریت را اگر ورق زده و به عقب برگردیم پر از معنا حق و حقیقت خواهیم یافت. گاهی حق‌پذیری و حق‌جویی مختص به یک فرد و گاهی مختص به یک گروه و گاهی مختص به یک قوم است. از این رو انبیاء و معصومین(ع) بی شک جزع گروه حق‌پذیر و حق‌گو بوده و هستند. در برابر جریان تاریخ «حق»، جریان دیگری به نام جریان تاریخ «باطل» وجود دارد. جریان باطل در طی تاریخ در مقابل جریان حق ایستاده و با تمام قدرت هر چه که مربوط به حق و حقیقت است را انکار می‌کنند و بعد از گذشت زمانی، حق را مخفی یا تحریف می‌کنند. ارزش‌های گروه باطل هرچیز می‌تواند باشد آلا حق! اگر بخواهیم مصداق اهل باطل در عالم خارج اهل کتاب خصوصاً (یهود) می‌باشد. خدای متعال باطل را کسانی می‌داند که قلبهایشان سخت‌تر از سنگ است (بقره/۷۴).

درباره این موضوع متاسفانه به صورت مستقل کاری انجام نشده است. اما به صورت پراکنده در ذیل سوره بقره، آیه ۷۴ در تفاسیر روایی مطالبی از ائمه معومین(ع) بیان گردیده است. این تفاسیر روایی صرفاً به نقل روایت قلبهای سخت بسنده کرده و به تحلیل و نتیجه‌گیری آن نپرداخته‌اند.

این مقاله سعی دارد در ذیل آیه ۷۴ سوره مبارکه بقره با کمک از شان نزول و روایات اهل بیت(ع) چهره واقعی افراد به ظاهر مقید بر شریعت را نشان دهد و توهم آنها مبنی بر دین‌داری را نشان دهد. بارزترین نمونه این افراد پر مدعا بی‌تردید یهودیان هستند که خداوند در آیات مختلف چهره از صورتشان کشیده است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ» فرمودند: ثم قست یعنی دل‌های شما غلیظ و خشک گردیده و خیر و رحمت از آنها رخت بر بسته است، ای جماعت یهودیان دل‌های شما بعد از دیدن این همه آیات روشن در زمان موسی علیه السلام و از این معجزاتی که در زمان محمد صلی الله علیه و اله مشاهده کردید باز نشد و مانند سنگ سفت شده است و چیزی در آن اثر نمی‌کند. ای جماعت یهود سخن حق در شما اثری ندارد، شما نه حق خداوند را از اموالتان می‌دهید و نه صدقه‌ای پرداخت می‌کنید، و نه کار نیکی انجام می‌دهید، و نه از مهمانی پذیرائی می‌کنید و نه غم از دل کسی می‌زدائید و نه اخلاق و عواطف انسانی دارید.

واژه «اشد قسوة» یعنی دل آنها (یهود) از سنگ هم سخت‌تر است. به عبارت دیگر؛ از شما خیری نخواهد آمد نه کم و نه زیاد، خداوند متعال در اول مطلب را مبهم گذاشت و فرمود: «او اشد»، ولی در دومی آن را بیان کرد و گفت: دل‌های آنها از سنگ هم سخت‌تر می‌باشد. در آن جا که فرمود: «وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ»، یعنی این دل‌ها به اندازه سفت و سخت هستند که خیری از آنها بیرون نمی‌آید در صورتی که از سنگ‌ها آب جریان پیدا می‌کند و برای فرزندان آدم خیر و برکت می‌آورد. از سنگ‌ها و صخره‌ها شکاف‌هایی پدید می‌آید و آب قطره قطره از آن جریان پیدا می‌کند و از آن دل‌های سخت بهتر می‌باشد، از آن صخره‌ها آب‌ها جریان پیدا می‌کنند ولی از دل‌های آن جماعت خیری باز نمی‌گردد و جریان پیدا نمی‌کند. بعد از این خداوند فرمود: «وَإِنَّ مِنْهَا» یعنی از سنگ از ترس خدا چیزی کاسته نمی‌گردد، هر گاه به نام خدا و اولیاء او محمد و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام و پاکان از آل او آن را سوگند بدهی

چیزی از آن سقوط نمی‌کند. در دل‌های جحود چیزی از این نیکی‌ها نیست «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره/۷۴) بلکه او عالم به شما هست و شما را به سبب کارهائی که انجام داده‌اید مجازات می‌کند، و یا به شما نیکی می‌نماید و با عدالت با شما رفتار می‌کند، او به شما ستم روا نمی‌دارد و حساب شما را می‌رسد و مورد عقاب قرار می‌دهد.

خداوند متعال در این جا دل‌های آنها را همان گونه وصف کرده که در سوره نساء فرموده: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا» اگر آنها بهره از حکومت داشتند به مردم پشیزی هم نمی‌دادند (نساء/۵۳) در آیه شریفه دیگر فرموده: ما اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم هر آئینه مشاهده می‌کردی آن کوه از ترس خداوند از یک دیگر پراکنده می‌شد. این سرکوبی برای یهودیان و ناصبیان است، زیرا هر دو را دارا می‌باشند و مرتکب هر دو گناه شدند.

با مراجعه به اخبار تاریخی توبیخ یهودیان توسط رسول خدا صلی الله علیه و اله در جریانات مختلف به بسیار سنگین است. در برخی از جریانات پیش آمده بین مسلمانان و اهل کتاب، گروهی از رؤسای یهود گفتند: ای محمد (ص) تو ما را هجو می‌کنی و از دل‌های ما سخن می‌گوئی در صورتی که خداوند خلاف آن را می‌گوید. در دل‌های ما خیر زیادی هست ما روزه می‌گیریم و صدقه می‌دهیم و با فقراء مواسات می‌کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: مقصود از خیر در نظر ما آن چیزی است که برای رضای خدا داده شود و بر طبق اوامر خداوند انجام پذیرد.

اما آنچه برای خودنمایی و تظاهر و جلب توجه مردم انجام گیرد و به دشمنی رسول خدا(ص) منجر گردد، و بر ضد او تحریک شود خیر نخواهد بود، بلکه آنها شر خالص می‌باشند و وبال گردن صاحبش می‌شوند و او را به سخت‌ترین عذاب گرفتار می‌کنند. یهودیان گفتند: ای محمد (ص) تو آن گونه

می‌گوئی و ما این چنین می‌گوئیم. ما این اموال را برای از بین بردن شما خرج می‌کنیم و می‌خواهیم به این طریق تسلط شما را دفع کنیم و یارانت را از اطراف تو پراکنده سازیم و این در نزد ما جهاد اکبر می‌باشد. ما در برابر این کارها از خداوند پاداش بزرگ می‌خواهیم. حداقل این است که ما با شما مساوی هستیم و ادعای ما یکی می‌باشد و تو بر ما چه فضیلتی داری؟ رسول خدا ص فرمود: ای برادران یهودا دعاها بین طرفداران حق و باطل مساوی می‌باشد. اما حجت‌های خداوند و دلایل او بین آنها جدائی می‌اندازد این برهان‌ها سخنان بی‌مایه اهل باطل را از بین می‌برد و حقائق اهل حق را روشن می‌کند، محمد رسول خدا ص از جهل شما استفاده نمی‌کند و بدون حجت هم نمی‌خواهد شما به او تسلیم شوید.

او با حجت و برهان خداوند با شما سخن می‌گوید و شما توانائی ندارید سخنان او را رد کنید و یا از گفته‌های مثبت او خود را خلاص نمایید. اگر محمد(ص) معجزه‌ای به شما نشان بدهد و آیتی برای شما بیاورد شما به شک گرفتار می‌شوید و می‌گوئید او با سختی و تکلف این آیات را درست می‌کند. او را به حيله‌گری متهم می‌کنید و یا می‌گوئید آن آیات را برای او درست کرده‌اند و این یک توطئه می‌باشد. اما هر گاه از من چیزی بخواهید و من خواسته‌ها را به شما نشان بدهم در اینجا که نمی‌توانید بگوئید اینها را برایش درست می‌کنند و یا توطئه می‌نمایند و یا حيله‌گری می‌کنند. شما از من چه می‌خواهید اینک خداوند جهانیان به من وعده کرده هر چه شما از من بخواهید آن را آشکار کند و به شما نشان دهد، تا کافران شما عذری نداشته باشند، و بر بصیرت مؤمنان شما افزوده گردد و در موضوع من بیشتر روشن شوند.

یهودیان گفتند: ای محمد(ص) تو به حق سخن گفتی و اینک اگر به وعده‌ات وفا کردی و با انصاف عمل نمودی. اگر چنین نکردی خود نخستین



کسی هستی که از ادعای نبوت دست برمی‌داری و در میان ما قرار می‌گیری و به حکم تورات تسلیم می‌شوی. اکنون پیشنهادی که ما به شما می‌کنیم، ادعای باطلت معلوم می‌شود و تو از دادن پاسخ ناتوان خواهی شد و از کاری که در پیش گرفته‌ای دست خواهی کشید. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: از سخنان شما بوی صداقت می‌آید نه دشمنی اینک هر چه می‌خواهید سؤال کنید تا عذری نداشته باشید. آنها گفتند: ای محمد ص شما خیال می‌کنی در دل‌های ما مواسأه با فقراء نیست و با ما با ضعفاء ارتباطی نداریم و به آنها مساعدت نمی‌کنیم، و ما برای زدودن باطل و اقامه حق چیزی انفاق نمی‌کنیم و سنگها نرم‌تر از دل ما می‌باشند. اکنون این کوهها در مقابل ما هستند اینک بیائید با هم برویم و آنها را بر گفته شما گواه بگیریم و بنگریم آنها سخنان شما را تصدیق می‌کنند و یا تکذیب می‌نمایند. اگر آنها به تصدیق شما سخن گفتند معلوم است که شما راست می‌گوئید و ما باید از شما اطاعت کنیم.

اگر آنها سخنان شما را تکذیب کردند و یا سکوت نمودند و پاسخ شما را ندادند معلوم می‌گردد که شما در ادعای خود باطل می‌باشید و دنبال هوای نفست هستی، رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: بیائید برویم و از آنها شهادت طلب کنیم، من سنگها را به شهادت می‌خواهم و آنها هم بفتح من گواهی می‌دهند. یهودیان با رسول خدا به طرف یک کوه لخت و بی‌علف و گیاه رفتند و گفتند: ای محمد ص این کوه است اکنون او را برای شهادت طلب کن، رسول خدا صلی الله علیه و اله به کوه فرمودند؛ به مقام محمد و آل پاک او صلوات الله علیهم که بنام آنها عرش پروردگار روی شانه هشت فرشته قرار گرفته است از شما سؤال می‌کنم. ای کوهها به حق محمد و آل پاک او که بنام آنان آدم توبه کرد و خداوند گناه او را مورد عفو و مغفرت قرار داد و او را بار دیگر بجای خود برگردانید و به حق محمد و آل محمد ص که به ذکر نام آنها و توسل به آنها

خداوند ادریس را به بهشت برد و در مکانی بلند جای داد. اینک شما را گواه می‌گیرم که برای محمد ص در برابر این یهودیان گواهی دهید و او را تصدیق کنید و از قساوت آنها و سختی دل‌های آنان سخن بگوئید و آنها را در تکذیب محمد ص رسوا کنید و گفته محمد رسول الله صلی الله علیه و اله را تصدیق نمائید. در این هنگام کوه به حرکت درآمد و تکان خورد و آب از آن جاری گردید و فریاد زد ای محمد ص گواهی می‌دهم که تو فرستاده خداوند عالمیان و سرور همه مردمان می‌باشی. گواهی می‌دهم که دل‌های این یهودیان همان گونه که وصف کردی از سنگ هم سخت‌تر می‌باشد. از دل این یهودیان هیچ خیری بیرون نمی‌شود، اما از این سنگ‌ها گاهی آب مانند سیل جریان پیدا می‌کند، و من گواهی می‌دهم که این جماعت دروغ‌گو می‌باشند و تو را به دروغ نسبت می‌دهند و به خداوند هم افتراء می‌بندند.

امام عسگری علیه السلام در ادامه واقعه در ذیل تفسیر «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ» فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله با معجزات خود بر یهودیان پیروز شد و عذر و بهانه آنها را قطع کرد و با دلائل روشن آنان را رسوا ساخت آنها نتوانستند برهان دیگری بیاورند و نه در معجزات آن جناب شبهه‌ای ایجاد نمایند. جحودان گفتند: ای محمد ص ما به تو ایمان آوردیم و تو رسول هادی و مهدی می‌باشی و علی ع هم برادر و وصی و ولیت می‌باشد. ولی هنگامی که این یهودیان اقرار کرده با یهودیان دیگر ملاقات می‌کردند می‌گفتند ما اگر در ظاهر به او ایمان آورده‌ایم برای این است که از وی در امان باشیم و از او آسیبی متوجه ما نشود. این ایمان ظاهری موجب شده که ما از گزند او و یارانش در راحتی و آسایش بسر ببریم. زیرا آنها هنگامی که اعتقاد پیدا کردند ما با آنها می‌باشیم، اسرار خود را به ما می‌گویند و از ما چیزی مخفی نمی‌کنند. ما به دشمنان آنها اطلاع می‌دهیم و آنها هم به آزار و اذیت آنان مشغول می‌گردند. ما

یهودیان در آن میان آسوده می‌شویم و دشمنان محمد ص و یارانش در حقیقت به کمک ما خواهند شتافت و آن‌ها را مشغول و مضطرب خواهند کرد و ما احتیاج پیدا نخواهیم کرد که با آنها جنگ کنیم و یا از خود دفاع نمائیم.

در این جا خداوند نیت فاسد آنها را برای رسول خود ص آشکار کرد و اعتقاد فاسد آنان را اظهار فرمود. خداوند متعال فرمود: ای محمد ص تو و یارانت که عبارت از علی و آل پاک او باشند، طمع دارید که آنها به شما ایمان بیاورند. این یهودیان که با دیدن معجزات و آیات ناگزیر شدند تا به شما اعتقاد پیدا نمایند و در برابر براهین واضحه و دلائل روشن مقهور گردند و ایمان آورند و شما را تصدیق کنند. اما آنها هنگامی که با شیاطین خود خلوت می‌کنند از حالات شما با آنها سخن می‌گویند، ولی گروهی از این یهودیان بنی اسرائیل سخنان خداوند را می‌شنوند و در طور سینا از اوامر و نواهی خداوند آگاه می‌گردند ولی بعد آن سخنان را تحریف می‌کنند. آن جماعت هنگامی که با سایر یهودیان آمیزش پیدا می‌نمایند، گفته‌های خدا و پیامبران را جابجا می‌کنند و طبق مقاصد خود تفسیر و توجیه می‌نمایند، در صورتی که می‌دانند دروغ می‌گویند و گفته‌های آنها با حقیقت وفق نمی‌دهد.

بعد از این خداوند متعال نفاق دیگر آنها را آشکار کرد و آن هنگامی است که یهودیان با مؤمنان برخورد می‌کردند و با سلمان و مقداد و ابو ذر و عمار به گفتگو می‌نشستند. آنها اظهار می‌کردند ما هم مؤمن هستیم و به نبوت محمد و امامت علی علی‌هم السلام اعتقاد داریم. علی ع برادر رسول خدا ص که هادی مردم و وزیر و خلیفه رسول در میان جامعه می‌باشد و وعده‌های او را انجام می‌دهد، و ذمه رسول را ادا می‌کند، و روش او را دنبال می‌نماید، و نگهدارنده مردم و دافع دشمنان از حوزه دین می‌باشد. اگر او را اطاعت کنند خداوند از آنها راضی می‌گردد و اگر او را ترک گویند موجب سخط و غضب خداوند می‌شود.



خلفاء رسول بعد از او ستارگان درخشان و ماه‌های تابان می‌باشند، آنها مانند آفتاب می‌درخشند و نورافشانی می‌کنند.

دوستان آنها دوستان خدا می‌باشند، و دشمنان آنها دشمنان خداوند بحساب می‌آیند، جماعتی از آنها می‌گویند گواهی می‌دهم که محمد صاحب معجزات می‌باشد، و دلائل و براهین روشنی برای اثبات نبوت خود اقامه کرده است. هنگامی که گروهی از این یهودیان نزد گروهی دیگر رفتند و گفتند، شما چکار کردید، آیا به آنها اطلاع دادید که خداوند به وسیله آیات و معجزات صدق نبوت محمد صلی الله علیه و اله را برای شما روشن کرد و امامت برادرش علی علیه السلام را اثبات نمود. شما باید در نزد خداوند به آن آیات و معجزات احتجاج کنید و بدانید که خود این دلائل و شواهد را عیان دیدید، ولی به آن ایمان نیاوردید و از او اطاعت نکردید، آنها از روی نادانی خیال می‌کردند که اگر آن آیات را به اطلاع مردم نرسانیده‌اند تقصیر ندارند. خداوند متعال می‌فرماید: مگر آنهایی که به برادران خود می‌گویند آیا شما از آنچه اطلاع پیدا کرده‌اید و آیات و معجزات محمد صلی الله علیه و اله را به عیان مشاهده نموده‌اید به برادران خود هم خبر می‌دهید و آنها را از حقیقت امر آگاه می‌کنید. خداوند می‌داند که شما در دل‌های خود چه چیزهایی را مخفی کرده‌اید و نسبت به محمد صلی الله علیه و اله چگونه عداوت می‌کنید، شما در دل ایمان ندارید و منتظر فرصت هستید تا او را از پا درآورید و یاران او را هلاک سازید.

اما خداوند متعال کارهای پیامبر اکرم(ص) را مرتب کرده و امور نبوت و رسالت او را با تدبیر خود منظم ساخته است و او را در بعثت و رسانیدن پیام کمک کرده و منظورش را انجام داده است، و او بر برپادارنده اوامر خداوند بوده و کید و مکر یهودیان او را زیان نمی‌رساند. در جای دیگر امام علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً» فرمود: یعنی یهودیانی که



در ظاهر اصرار به ایمان دارند ولی در نهای نفاق می‌کنند و بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و اله توطئه می‌نمایند و گمان می‌کنند که مسلمانان نابود می‌گردند. آنها می‌گویند: آتش فقط چند روز ما را در بر خواهد گرفت، زیرا آنها خویشاوندان و برادران رضاعی در میان مسلمانان دارند و کفرشان را از محمد و یاران او پنهان می‌کنند، خویشاوندان هم می‌دانند که آنها منافق می‌باشند ولی بخاطر خویشاوندی آن را اظهار نمی‌کنند. اما در نهای به آنها می‌گویند چرا بطور نفاق زندگی می‌کنید، و خود را در معرض خشم و غضب خداوند قرار داده‌اید و خویشتن را معذب ساخته‌اید.

۳۴

آنها می‌گویند: مدت این عذاب خیلی کم است و چند روزی بیش نیست. این ایام اندک خواهد گذشت و ما بعد از آن وارد بهشت خواهیم شد و از نعمت‌های آن جا برخوردار خواهیم گردید، ما در دنیا خود را گرفتار مشکلات نمی‌کنیم به خاطر اینکه چند روزی در آن جهان عذاب شویم. آن عذاب‌ها پایان خواهند گرفت و ما هم از لذت آزادی و کامجویی در دنیا و سود بردن از نعمت‌های آن مشغول می‌گردیم، و بعد هم هر چه می‌خواهد پیش بیاید و ما باکی و ترسی از آنها نخواهیم داشت، زیرا آن عذاب‌ها دائمی نیستند.

خداوند متعال فرمود: ای محمد(ص) به آنها بگو مگر شما با خداوند عهد و پیمانی در این باره دارید که عذاب شما برای کفر به محمد ص و انکار معجزات او و عدم اعتقاد به علی و فرزندان وی منقطع خواهد شد و دوامی برای آن نیست. آری آن عذاب همیشه هست و پایانی ندارد، اینک در ارتکاب گناهان و زشتیها به خود جرأت ندهید، و به خدا و رسول و ولی منصوب او کافر نشوید. او مردم را به راه خیر و سعادت هدایت می‌کند و مانند پدری مهربان با فرزندان عمل می‌نماید. شما خیال می‌کنید که با خدا عهد بسته‌اید که شما را عذاب نکند و او هم به وعده‌اش عمل خواهد کرد و شما را از عذاب ننگه می‌دارد و یا در باره

خدا سخنانی می‌گوئید که از آن آگاهی ندارید، شما در هر حال زور می‌گوئید و در ادعای خود کاذب هستید.<sup>۱</sup> از این روست که خداوند کسانی که پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآله‌وصلم و گروه حقیقی‌ها را که با این چنین آیات و بیناتی که معرفی کرده، انکار کردند را لعنت میکند. به بعضی از لعنت شدگان گروه باطلی‌ها در قرآن کریم اشاره می‌شود.

خداوند در آیات متعدد قرآن‌کریم به این نکات اشاره کرده است و لذا در جای جای قرآن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَاسِقُونَ»<sup>۲</sup>

بگو: ای اهل کتاب، آیا ما را سرزنش می‌کنید؟ جز این است که ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه پیش از این نازل شده است ایمان آورده‌ایم و شما بیشترین نافرمان هستید؟

«قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»<sup>۳</sup> بگو: آیا شما را از کسانی که در نزد خدا کیفری بدتر از این دارند خبر بدهم: کسانی که خدایشان لعنت کرده و بر آنها خشم گرفته و بعضی را بوزینه و خوک گردانیده است و خود بت پرستیده‌اند؟ اینان را بدترین جایگاه است و از راه راست گمگشته‌ترند.

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَآلَقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

۱. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۹، ص ۳۱۲.

۲. مائده آیه ۵۹

۳. مائده آیه ۶۰



فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ<sup>۱</sup> یهود گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خودشان بسته باد. و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند. دستهای خدا گشاده است. به هر سان که بخواهد روزی می‌دهد. و آنچه بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است، به طغیان و کفر بیشترشان خواهد افزود. ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنده‌ایم. هر گاه که آتش جنگ را فروختند خدا خاموشش ساخت. و آنان در روی زمین به فساد می‌کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ<sup>۲</sup>» بگو: ای اهل کتاب، به ناحق در دین خویش غلو مکنید و از خواهشهای آن مردمی که از پیش گمراه شده بودند و بسیاری را گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند پیروی مکنید.

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ<sup>۳</sup>» از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، و این لعنت پاداش عصیان و تجاوزشان بود.

«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ<sup>۴</sup>» از کار زشتی که می‌کردند یکدیگر را نهی نمی‌کردند و هرآینه بدکاری می‌کردند.

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ<sup>۵</sup>» خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران وعده آتش جهنم داده است. در آن جاودانه‌اند. همین برایشان بس است. لعنت خدا بر آنها باد و به عذابی پایدار گرفتار خواهند شد.

۱. مائده آیه ۶۴

۲. مائده آیه ۷۷

۳. مائده آیه ۷۸

۴. مائده آیه ۷۹

۵. توبه آیه ۶۸

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»<sup>۱</sup> چه کس ستمکارتر از آن کسی است که به خدا دروغ می‌بندد؟ اینان را به پروردگارشان عرضه خواهند داشت و شاهدان گواهی خواهند داد که اینانند که بر پروردگارشان دروغ می‌بسته‌اند. هان، لعنت خدا بر ستمکاران باد)

«وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»<sup>۲</sup> و آنان که پیمان خدا را پس از استوارکردنش می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت بر آنهاست و بدیهای آن جهان نصیبشان.

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»<sup>۳</sup> هر آینه کسانی را که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خدا در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خوارکننده مهیا کرده است.

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»<sup>۴</sup> در روزی که ستمکاران را پوزش خواستن سود ندهد و نصیب آنها لعنت است و آن سرای بدی است.

### نتیجه:

کارهای خیر مانند؛ دادن صدقه، روزه، مواسات با فقراء و غیره گاهی برای انسان‌ها توهم خوب بودن را ایجاد می‌کند. این توهم می‌تواند انسان‌ها را تا جایی متوهم سازد که خود را هم‌سان و حتی بالاتر از رسول خدا (ص) بدانند. خداوند متعال در آیه قلبهای چنین افراد را سخت‌تر از سنگ می‌داند که هیچ رنگ و بویی

۱. هود آیه ۱۸

۲. رعد آیه ۲۵

۳. احزاب آیه ۵۷

۴. غافر ۵۲



از خداوند متعال ندارد. با تامل در آیات قران کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، علت سخت قلبی اهل کتاب لجاجت و عناد در برابر حق می باشد. اگر فردی در برابر حق راه عناد را در پیش گیرد قلب او نیز نه تنها سنگ بلکه سختتر از سنگ می شود.

### فهرست منابع

قران کریم

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، دار بیدار للنشر - قم، چاپ: اول، ق ۱۳۶۹.
۲. حسن بن علی علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، مدرسه الإمام المهدی عج، قم، اول، ۱۴۰۹ ق.
۳. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی عج، قم، اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحياء التراث العربی - بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق.

